



ایران در آستانه
انتخابات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شورای اجتماعی کشور

جستارهایی در
ایران در آستانه انتخابات

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

آبان ۱۳۹۴

جستارهایی در

ایران در آستانه انتخابات

به سفارش شورای اجتماعی کشور

رصد فرهنگ و اجتماع - ۳

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

آبان ماه ۱۳۹۴

جستارهایی در ایران در آستانه انتخابات / [تهیه و گردآوری] پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات،
رصد فرهنگ و اجتماع؛ [برای] شورای اجتماعی کشور. - تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات،
۱۳۹۴.

۳۶۶ ص.؛ جدول، نمودار. - (رصد فرهنگ و اجتماع؛ ۳)

موضوع: ۱. ایران. مجلس شورای اسلامی - انتخابات - مقاله‌ها و خطابه‌ها ۲. ایران. مجلس شورای
اسلامی - انتخابات - جنبه‌های جامعه‌شناختی ۳. انتخابات - ایران
شناسه افزوده: الف. ایران. وزارت کشور. معاونت اجتماعی. شورای اجتماعی کشور ب. فروست

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ج. ۵ الف / ۱۷۱۶ DSR

رده بندی دیویی: ۰۸۴۴/۹۵۵

جستارهایی در ایران در آستانه انتخابات

شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

نوبت چاپ: آبان ۱۳۹۴

فهرست مطالب

مقدمه / سیدمرتضی میرباقری _____ ۷

■ ■ ■ انتخابات و ملاحظات اجتماعی فرهنگی

- ۱۱ _____ پیچیدگی جامعه و کنش جمعی مردم در ایران / محمد آقاسی
- ۲۱ _____ نگاهی به رابطه روحانیت و مجلس، از مشروطه تا امروز؛ استغنائی سازمان روحانیت از مجلس / حسن اجرایی
- ۳۳ _____ انتخابات پارلمانی، هویت جمعی و امر سیاسی / ریحانه اصلان زاده
- ۴۱ _____ سازمان‌های رفاهی، کنترل سیاسی، شهروندی / رضا امیدی
- ۴۷ _____ تأملی بر مشارکت طبقه متوسط در انتخابات پیش‌رو / یاسر باقری
- ۵۷ _____ پیامدهای نگاه اصلی به جای نگاه آلی به انتخابات در ایران / محمدرضا جوادی یگانه
- ۷۱ _____ اقوام و انتخابات / ابراهیم حاجیانی
- ۸۳ _____ بررسی هویت مورد نظر گفتمان جمهوری اسلامی ایران در قبال زنان / سید محمدمهدی خوبی
- ۹۷ _____ وندالیسم انتخاباتی؛ تخریب اموال عمومی یا تخریب افکار عمومی؟ / محمدمهدی رحمتی
- ۱۰۳ _____ اقتصاد انتخابات مجلس / علی سرزعی
- ۱۱۱ _____ لنینی شدن فرایند / علیرضا شجاعی زند
- ۱۲۳ _____ امتناع وعده‌های انتخاباتی در سطح ملی / عباس عبدی
- ۱۳۱ _____ مجلس شورای اسلامی و سرمایه اجتماعی / غلامرضا غفاری
- ۱۴۱ _____ تحلیل پیامدهای اجتماعی و فرهنگی انتخابات؛ از منظر منازعات کلامی / محمد جواد غلامرضا کاشی
- ۱۵۱ _____ الزامات مجلس دهم برای بقا و ارتقای ایران / محمد فاضلی
- ۱۶۳ _____ گذار به مردم‌سالاری مستقیم / ناصر فکوهی
- ۱۷۱ _____ دروغ‌گویی در انتخابات؛ اشکال، سطوح، و پیامدها / حسن محدثی گیلوایی
- ۱۹۵ _____ احزاب شه‌ساخته دوره پهلوی و انتخابات / رضا مختاری اصفهانی
- ۲۰۳ _____ انتخابات فرصتی برای انشقاق یا ائتلاف / احمد میدری
- ۲۱۵ _____ ملاحظات درباره انتخابات در ایران / جواد میری
- ۲۲۳ _____ انتخابات و فرهنگ شهرت؛ مشاهیر ورزشی و هنری (سلبریتی‌ها) و انتخابات در ایران / راضیه یاسینی

■ ■ ■ انتخابات و مطالبات

- ۲۳۹ _____ انتخابات و مطالبات زنان / شیرین احمدنیا
- ۲۴۹ _____ انتخابات و مطالبات رأی اولی‌ها / سمیه توحیدلو
- ۲۶۳ _____ انتخابات، آموزش عمومی و مسئله آب / جبار رحمانی

- ۲۷۳ _____ مطالبات در حوزه گاز طبیعی و آینده ایران / مجید عباسی
- ۲۸۱ _____ انتخابات و اقلیت‌های مغفول: صدا و ژئوپلیتیک قومی-دینی / مهرداد عربستانی
- ۲۹۳ _____ رصد اقتصاد هنر ایران در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی / محمدرضا مریدی

■ ■ ■ انتخابات و رسانه‌ها

- ۳۰۱ _____ رویکرد شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای به انتخابات ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۰۹ _____ استفاده از ظرفیت پیام‌رسان‌های موبایلی در انتخابات / شادی ضابط
- ۳۱۹ _____ آن‌لاین بدون ایمیل / محمد معماریان
- ۳۳۱ _____ الگوی تبلیغات رسمی انتخابات در ایران با تأکید بر صداوسیما / نوح منوری
- ۳۳۹ _____ ناآرامی در نهاد ناپایدار شبکه همراه / فرشاد مهدی‌پور
- ۳۴۷ _____ رفتار انتخاباتی با نگاهی به مصرف رسانه‌ای / عباس نعمتی
- ۳۵۷ _____ اهمیت ویدئوهای منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی مجازی در آستانه انتخابات مجلس دهم / حسین یزدان‌شناس

■ ■ ■ الزامات مجلس دهم برای بقا و ارتقای ایران

محمد فاضلی

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

۱. مقدمه

دلایل بسیاری برای مهم بودن هر انتخابات وجود دارد، اما هر قدر شرایط جامعه‌ای به لحاظ داخلی و خارجی برای توسعه پیچیده‌تر و نامناسب‌تر باشد، انتخاب نمایندگان و همه مقامات سیاسی منتخب، حساسیت بیشتری خواهد داشت. ایران در آستانه انتخابات مجلس دهم در وضعیت پیچیده‌ای قرار دارد و از لحاظ برخی شاخص‌ها کاملاً در وضعیت نامناسبی است. سیاست‌گذاری ملی نیز مثل سیاست‌گذاری در یک واحد اقتصادی شامل دو هدف بقا و ارتقا می‌شود. سیاست‌گذاری برای بقا مستلزم تضمین شرایطی است که حفظ موجودیتی را که برای آن سیاست‌گذاری می‌شود تضمین کند و مانع نابودی آن گردد، و راهبرد ارتقا به دنبال کسب جایگاه‌های برتر در وضعیتی رقابتی است. البته، در درازمدت بدون ارتقا، بقا نیز به خطر می‌افتد. مجلس دهم ناگزیر باید بار سنگین تاریخ ناکارآمدی را که سبب خلق دشواری‌هایی

برای بقا و ارتقا شده است به دوش بکشد. من بر آنم که ما و نسل‌های آتی هزینه همه اشتباه‌ها و ناکارآمدی‌های گذشته را پرداخت خواهیم کرد، زیرا ما ممکن است تاریخ را فراموش کنیم، اما تاریخ هرگز ما را فراموش نخواهد کرد. تاریخ در قالب نهادها، خاطرات، محرک‌های کنش، شبکه‌های منافع، تأثیرات محیط زیستی، افراد و نمادها انباشت شده و خود را تحمیل می‌کند. اما، پرداخت هزینه نیز می‌تواند به شیوه‌های مختلف مدیریت شود و مثل هر بنگاه اقتصادی، می‌توان بدهی‌های معوقه را به گونه‌های مختلف از جمله اقساط به قصد خریدن زمان لازم برای احیا پرداخت و در خلال فرایند احیا، ناکارآمدی‌های گذشته را جبران و زیرساخت‌های نهادی مناسبی برای آینده‌ای بهتر فراهم کرد.

مجلس آینده به گمان من با شماری از مسائل بزرگ مواجه است و وظیفه‌ای بزرگ در تدوین راهبردهای مؤثر بقا و ارتقا دارد. من می‌کوشم تا با بهره‌گیری از نظریه سیستم‌های اجتماعی به روایت کنت بیلی (Kenneth D. Bailey, 1997) و در چارچوب نسبت بورورکراسی و دموکراسی، ویژگی‌های مجلس دهم را صورت‌بندی کنم.

۲. نظریه سیستم‌های کنت بیلی

کنت بیلی (۱۹۹۷: ۴۲۷-۴۲۸) سیستم زنده را موجودیتی سلسله‌مراتبی شامل جمعیتی از افراد (P) در مرزهای محدوده‌ای فضایی (S) می‌داند که در سه سطح کلان، میانی و خرد قابل تحلیل است. هر سیستم اجتماعی در سطح کلان شش متغیر عام را دربرمی‌گیرد: جمعیت (P)، اطلاعات (I)، سطح زندگی (L)، سازمان (O)، تکنولوژی (T) و فضا (S). هر متغیر نیز خوشه‌ای از معیارها را شامل می‌شود. ویژگی سطح کلان آن است که بدون ارجاع به افراد قابل اندازه‌گیری است. به عبارتی، می‌توان اندازه شش متغیر (PILOTS) را برای یک سیستم -به عنوان مثال ایران- اعلام کرد بدون آنکه مستقیماً ارجاعی به فرد خاصی داشته باشد. ویژگی مدل آن است که توزیع جمعیت سیستم بر اساس هریک از پنج متغیر دیگر، ویژگی‌های سیستم را مشخص می‌کند.^۱

بیلی بر این باور است که سرنوشت سیستم‌های اجتماعی را نسبت P در برابر LOTIS مشخص می‌کند. سه حالت ممکن عبارت‌اند از:

P کم و LOTIS بالا: این وضعیتی است که جمعیتی اندک در سیستمی با درآمد، مشاغل، تکنولوژی، اطلاعات و فضای فراوان زندگی می‌کنند. کمترین سطح تنش در این وضعیت مشاهده می‌شود و انسجام اجتماعی در بالاترین سطح قرار می‌گیرد.

P بالا و LOTIS پایین: وضعیتی است که تضاد و فقدان انسجام کارکردی حاکم می‌شود.

- سطح متوسط P و LOTIS: حضور توأمان انسجام کارکردی و تضاد بروز می‌کند.

بیلی جدول ۱ را بر اساس سطوح مختلف (بالا، متوسط و پایین) از P و LOTIS ترسیم می‌کند که ۹ حالت را شامل می‌شود (Bailey, 1997: 438).

جدول ۱. سطوح انسجام و تضاد در سیستم اجتماعی برحسب P و LOTIS

کم	متوسط	زیاد	LOTIS P
(۳) تعارض شدید	(۲) تعارض متوسط	(۱) سازگاری (انسجام کم/تعارض کم)	زیاد
(۶) تعارض متوسط	(۵) سازگاری (انسجام کم/تعارض کم)	(۴) انسجام سیستمی متوسط	متوسط
(۹) سازگاری (انسجام کم/تعارض کم)	(۸) انسجام سیستمی متوسط	(۷) انسجام سیستمی زیاد	کم

جدول ۱ نشان می‌دهد که وقتی جمعیت (P) یک سطح بالاتر از LOTIS است، تعارض متوسط و وقتی دو سطح بالاتر است، تعارض شدید بروز می‌کند. به همین ترتیب، وقتی LOTIS یک سطح بالاتر از P است، انسجام سیستمی متوسط، و وقتی دو سطح بالاتر باشد، انسجام سیستمی زیاد بروز می‌کند. هر سیستم اجتماعی در راهبردهای خود باید به گونه‌ای عمل کند که از وضعیت‌های ۲، ۳ و ۶ اجتناب کند.

۳. چالش‌های ایران

مسائل مجلس دهم را می‌توان در قالب صورت‌بندی کنت بیلی از نظریه سیستم‌ها بیان کرد. یک صورت‌بندی کلان این است که جمعیت بر همه متغیرهای دیگر سیستم پیشی گرفته است. این وضعیت معطوف به داخل است و در فضای بین‌المللی نیز می‌توان همین وضعیت را مد نظر قرار داد. به عبارتی، نسبت P به LOTIS بین کشورهای مختلف قابل مقایسه است و

سطح توان نسبی را در نظام بین‌الملل مشخص می‌کند. سنجه‌هایی برای هر شش متغیّر وجود دارند و بنابراین می‌توان شاخص P/LOTIS را به سنجه‌ای برای ارزیابی الزامات ارتقای کشورها قرار داد.

پرسش مهم این است که چرا باید برای صورت‌بندی الزامات مجلس دهم، چنین شاخصی را مدنظر قرار داد. من بر این باورم که نسبت سطح انسجام کارکردی به تضاد، یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های تعیین‌کننده سرنوشت کشور است. چنان‌که بیلی نیز تأکید می‌کند، انسجام کارکردی برای تداوم سیستم و تضاد برای تغییر ضروری است (Bailey, 1997: 427). ایران امروز به شدت نیازمند انسجام و تضاد است. برای آنکه یک گام جلوتر برویم، ضروری است که برخی از اصلی‌ترین چالش‌ها را در LOTIS برشماریم و همچنین شرایط بیرونی تهدیدکننده انسجام را توضیح دهیم.

- فضا (S): بحران محیط زیست که در قالب تهدید منابع آب، خاک، هوا و تنوع زیستی عمل کرده و با پدیده‌هایی نظیر ریزگردها و بیابان‌زایی عیان شده است، فضای زیست را تنگ‌تر کرده و پیامدهای ناگواری برای امنیت غذایی، زیست‌پذیری سکونتگاه‌ها و توسعه فقر خواهد داشت.

- سازمان (O): چالشی که به شدت بر سایر چالش‌ها اثر گذارده و در چند دهه گذشته مسبب ناکارآمدی‌های گسترده بوده، چالش در سازمان -دستگاه اداری، ظرفیت دولت، ناکامی در اصلاحات اداری، فساد سازمانی، بزرگ‌شدن حجم دولت، وضعیت بحرانی بهره‌وری در دستگاه‌های دولتی، عمومی و خصوصی- است. سازمان‌ها در ایران تناسبی با جمعیت کشور، الزامات توسعه‌ای و رقابت در سطح بین‌المللی ندارند. سازمان‌ها به لحاظ زیرساخت قانونی و قواعد بازی، کمیت و کیفیت نیروی انسانی، تداخل وظایف، نوع هزینه‌های خود و بسیاری عوامل دیگر در وضعیت ناخوشایندی قرار دارند.

- تکنولوژی (T): سطح تکنولوژی در سازمان‌های دولتی، عمومی و خصوصی و در همه بخش‌های صنعتی، خدماتی و کشاورزی فاصله قابل توجهی با کشورهای توسعه‌یافته و تازه‌صنعتی‌شده دارد. این فاصله در مقایسه با کشوری نظیر ترکیه و در برخی تکنولوژی‌ها -تکنولوژی اطلاعات، حمل‌ونقل، خدمات مالی و بانکی- با کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز فاصله گرفته و رقابت‌پذیر نیست.

- اطلاعات (۱): اگرچه کشور در دو دهه گذشته در پذیرش و تربیت نیروی انسانی متخصص در آموزش عالی رشد قابل ملاحظه‌ای داشته و در شاخصی نظیر افزایش تعداد مقالات در مجلات بین‌المللی رشد کرده است، واقع‌بینانه نیست اگر سطح شاخص اطلاعات کشور با این شاخص‌ها سنجیده شود. کیفیت آموزش عالی به اندازه کمیت آن رشد نکرده است و میزان تبدیل شدن دانش به قدرت اقتصادی و ظرفیت تولیدی در قالب نظام فناوری و نوآوری کاملاً ناچیز و سازوکاری مخدوش دارد. تعداد قابل‌توجهی از نخبگان و فارغ‌التحصیلان آموزش عالی کشور را ترک کرده و گرایش بقیه به ادامه فعالیت در کشورهای توسعه‌یافته زیاد است. نظام دانشگاهی نیز با تأکید شدید بر افزایش تعداد مقالات منتشرشده در مجلات علمی، به رویه‌های اخلاقی نادرستی نظیر تقلب علمی دامن زده است. پیوند دانشگاه، جامعه و بازار نیز هرگز در چند دهه گذشته برقرار نشده است. به علاوه، سطح پایین تکنولوژی در نظام اقتصادی سبب شده خروجی‌های دانشگاه، حتی در صورتی که کیفیت بالایی داشته باشند، همخوان با مقتضیات اقتصادی بنگاه‌ها نباشند.

- سطح زندگی (L): سطح زندگی را می‌شود خیلی گسترده یا فقط در دو شاخص تورم و بیکاری بررسی کرد. رسیدن تورم به مرز ۳۵ درصد در سال ۱۳۹۲ و دو رقمی بودن آن به مدت ۴ دهه، در کنار رکود شدیدی که منجر به بیکاری دو رقمی شده، نشانی از سطح زندگی است. بیکاری دو رقمی حدود ۱۲ تا ۱۵ درصد که در مقایسه با بیکاری در سایر کشورها مناسب نیست، تنها در شرایطی به دست آمده که بخشی از نیروی کار از بازار خارج شده و نرخ مشارکت کاهش یافته است و به علاوه تعریف خاص شاغل در آمارهای رسمی، بیکاری واقعی را کم برآورد می‌کند.

در خصوص چالش‌های مذکور، چند نکته بسیار مهم هم وجود دارد:

۱. برخی ناکارآمدی‌ها و چالش‌ها منجر به پیامدهای برگشت‌ناپذیر نمی‌شوند، اما برخی دیگر پی‌آمدهایی دارند که قابل اصلاح نیست یا به‌سختی می‌توان آنها را اصلاح کرد. تخلیهٔ آبخوان‌ها، گسترش بیابان‌ها، فرسایش خاک و از بین رفتن تنوع زیستی جبران‌ناپذیر است یا بازه زمانی احیا به حدی زیاد است که هزینهٔ آن را برای سیستم به نحو فزاینده‌ای افزایش می‌دهد.
۲. چالش‌ها در بستر روندهای بین‌المللی نامساعد پیش می‌روند. اگرچه

رسیدن به توافق هسته‌ای شدت منازعات بین‌المللی را علیه ایران کاهش داده، کماکان خاورمیانه منطقه‌ای پرتنش است و کشور در منازعات جدی با کشورهای اصلی منطقه قرار دارد. عربستان، ترکیه و مصر هر یک به درجاتی در تنازع با ایران قرار دارند. وجود عربستان در این فهرست بدان معناست که بخش عمده جهان عرب رویکردی مناسب نسبت به ایران نخواهد داشت و از همه ظرفیت‌های خود برای مقابله با کشور استفاده خواهد کرد. این بدان معناست که استفاده از ظرفیت‌های توسعه مبتنی بر همکاری‌های منطقه‌ای که در مناطقی نظیر شرق و جنوب‌شرق آسیا، امریکای جنوبی و مرکزی و بیش از همه در اروپا محرک رشد و توسعه بوده، در این منطقه با دشواری‌های زیادی روبه‌رو است.

۳. تروریسم تکفیری مبتنی بر پایه‌های اجتماعی در منطقه نظیر توسعه‌نیافتگی و شکاف مذهبی - قومی رو به گسترش است و رقابت‌های درون منطقه‌ای و بین‌المللی در حال رشد است و بر شرایط همکاری منطقه‌ای، امنیت سرمایه‌گذاری، اولویت‌های کشوری و سایر متغیرهای مؤثر بر توسعه تأثیر می‌گذارد.

۴. مجلس دهم و چالش‌های ایران

من بر آنم پیش از آنکه مجلس دهم با چالش‌های مذکور مواجه شود، نخبگان، احزاب سیاسی‌ای که به وجود این چالش‌ها باور دارند و مردم باید با درکی از این مسائل به رویکرد و فعالیت‌های خود در قبال مجلس آینده شکل دهند. مجلس دهم تا اندازه زیادی می‌تواند تحت تأثیر گفتمان توصیف‌کننده و تبیین‌گر مسائل قرار گیرد. اما، اگر مفروض بگیریم که نخبگان، احزاب سیاسی خواهان بهبود وضع موجود و مردم می‌کوشند تا حل این مسائل را به دستورکار مجلس بدل کنند و این کار را نخست از طریق انتخاب افراد و پس از آن مطالبه کردن انجام خواهند داد، به این پرسش می‌رسیم که مجلس دهم چه الزاماتی دارد.

۴. ۱ اولویت‌دادن به توسعه پایدار و متوازن

مجلس دهم می‌تواند ادامه‌دهنده مسیر گذشته یعنی منطقه‌گرایی و تشدید بحران‌های ناشی از آن باشد یا مسیر دیگری را برگزیند. منطقه‌گرایی در اینجا بدان معناست که نمایندگان برای حفظ پایگاه رأی خود، دائماً بدون

ملاحظات آمایش سرزمین و عقلانیت توسعه، برای ایجاد زیرساخت‌ها، واحدهای اقتصادی، پروژه‌های عمرانی و اقدامات دیگر بر دولت فشار می‌آورند و در نهایت سرمایه‌ها صرف اقداماتی می‌شود که فاقد پایداری است. تعدد کارخانجات فولاد و پتروشیمی در مناطقی که منابع آبی آنها به شدت تحت فشار است و توجیه اقتصادی برای آنها وجود ندارد، اصرار بر احداث سدهایی که جز خسارت محیط زیستی و تشدید بحران آب حاصلی نداشته‌اند، تخصیص اعتبارات برای احداث بیمارستان‌هایی که ملاحظات اقتصادی و تأمین نیروی انسانی در آنها لحاظ نشده، کشیدن جاده‌هایی که شائبه‌هایی در خصوص غیرضروری بودن تا فساد در احداث آنها وجود دارد، نمودهایی از منطقه‌گرایی است. توسعه متوازن کشور و تحقق آنچه در قالب اقتصاد مقاومتی بیان می‌شود، به علاوه هم‌راستاشدن با اهداف توسعه پایدار که از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ در دستور کار کشورها قرار می‌گیرد، با الگوی فعلی منطقه‌گرایی امکان‌پذیر نیست.

۴.۲ درمان دموکراسی آنتروپیک و بوروکراسی ناکارآمد

منطقه‌گرایی یکی از عوارض دموکراسی انتخاباتی موجود کشور است. طبیعی است که نمایندگان برای تضمین رأی خود، منطقه‌گرایی را به قیمت توسعه نامتوازن و ناپایدار قربانی تشدید کنند. واژه آنتروپی را در سیستم‌های ترمودینامیکی برای میل سیستم به بی‌نظمی به کار می‌برند. سیستم‌ها خصیصه آنتروپیک دارند و در صورتی که به حال خود رها شوند، میل به تخریب در آنها زیاد است، درست مانند خانه‌ای که به حال خود رها شود، سیستم‌ها نیز رو به تخریب دارند. این میل خصیصه آنتروپیک سیستم‌ها را توصیف می‌کند. نظام انتخاباتی موجود در شرایطی که دستگاه اداری و بوروکراتیک پراختیار ولی بی‌اقتدار و فاقد قدرت زیرساختی را در کنار خود دارد، آنتروپی فزاینده‌ای از خود بروز می‌دهد. منطقه‌گرایی یکی از عوارض این میل آنتروپیک است. ترکیب بروکراسی لرزان و این نظام انتخاباتی به شکل فزاینده‌ای الگوی توسعه را مختل می‌کند، چالش‌های برشمرده شده را تشدید خواهد کرد و دائماً قادر است اولویت‌های کشور را جابه‌جا کرده و مهم‌ترین مسائل را از دستور کار خارج کند و ریزدستورهایی را که با منطقه‌گرایی و اولویت‌های جناحی مرتبط هستند در دستور کار ملی قرار دهد.

۴. ۳ اصلاح الگوی توسعه، نظام سیاست‌گذاری و اولویت‌سنجی

من عمیقاً بر این باورم که دو واژه «توسعه» و «پروژه عمرانی» در ایران به جای یکدیگر به کار گرفته می‌شوند و به تدریج دومی جایگزین اولی و هم‌معنای آن شده است. منطقه‌گرایی هم بر این همسان‌سازی افزوده است و در نهایت نقش دولت و سایر قوا در جریان توسعه به نقشی در راستای «پروژه‌های عمرانی» فروکاسته شده است. نهادهای حاکمیتی در این جابه‌جایی، به عوض نقش‌آفرینی در تنظیم‌گری و زمینه‌سازی نهادی برای حرکت‌دادن به انگیزه‌های سرمایه‌گذاری، بهبود فضای کسب و کار، تثبیت حقوق مالکیت کارآمد، تسهیل ارتباط بین‌المللی و سایر عوامل نهادی مؤثر بر توسعه کشور، به تأمین‌کنندگان ملی، حامیان و بهره‌برداران پروژه‌های توسعه تبدیل شده‌اند. این پروژه‌ها نیز غالباً بر مبنای روالی نادرست در تعیین اولویت‌ها، جایابی پروژه‌ها، ارزیابی اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی آنها و در راستای اهدافی که نسبت آنها با توسعه پایدار مشخص نیست تعیین می‌شوند و نمایندگان مجلس نقش بسزایی در شکل‌گیری این ساختار دارند.

۵. مجلس دهم: دو سناریو

مجلس دهم می‌تواند همان پیشران‌های قبلی را که به وضع فعلی انجامیده‌اند و نسبت P/LOTIS را در شرایط ناخوشایندی قرار داده‌اند بیشتر تحریک کند. اگر وابستگی به مسیر را در دنیای سیاست جدی بگیریم، این محتمل‌ترین سناریو است و واقع‌بینانه آن است که با توجه به تجربه‌ای که از زوال توسعه در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ حاصل شده، تغییراتی هرچند اندک در این سناریو در جهت بهبود رخ خواهد داد. اما، این میزان بهبود آن چیزی نیست که برای بقا و ارتقا به آن نیاز داریم.

ایران امروز و نظام جمهوری اسلامی به سطح بیشتری از بهبود نیازمند است. این جهش حداقل به دو چیز نیازمند است: نخست، گذر از امر سیاسی (Political Issue) به امر سیاستی (Policy Issue) است. غلبه امر سیاسی بر امر سیاستی بخشی از تبیین بحران‌های حاضر است. سه دهه است که مسائل، سیاسی شده‌اند و اکنون زمان آن است که موضوع بحث سیاستی شوند. پرسش اصلی این است که سیاست (خط‌مشی) کشور برای تحقق اهداف چیست. این پرسش به پرسش‌هایی جدی درباره مسئله‌شناسی کشور، اولویت‌بندی

مسائل، حیطة مقدرات، داده‌ها و اطلاعات موجود برای سیاست‌گذاری، نیروهای اجتماعی و سیاست‌گذاری، رویکردهای مناسب، شاخص‌های ارزیابی عملکرد، نظام پایش و بازخورد در سیستم می‌انجامد. کاملاً آگاهم که مرز میان امر سیاسی و امر سیاستی باریک است و هر سیاست‌گذاری متضمن فرایند سیاسی است. اما، تأکیدات سیاسی یا سیاستی به تعامل متفاوتی بین این دو امر و فضای گفتمانی متفاوتی می‌انجامد. شعار دادن در فضای امر سیاسی بسیار آسان‌تر است. گذر از «مجلس سیاسی» به «مجلس سیاست‌گذار» می‌تواند مجلسی متفاوت خلق کند. مجلس سیاست‌گذار فقط به تکرار بایدها، اهداف متعالی و افق‌های روشن بسنده نمی‌کند، بلکه دستور کار توسعه را متناسب مقتضیات جمعیت و در نظر داشتن P/LOTIS در جهان امروز بررسی می‌کند.

گذر از مجلس سیاسی به مجلس سیاستی، نیازمند ائتلاف اجتماعی گسترده برای خروج از وضعیت‌های آسیب‌زا و بحرانی است. نخبگان خواهان اصلاح متغیرهای سیستمی که خواهان بقا و ارتقای سیستم هستند، زمان زیادی برای تعیین دستور کار انتخابات ندارند. نخبگان باید به گفتمانی شکل دهند و نیروی اجتماعی را به آگاهی‌ای برسانند که در آن فضای سیاسی با فضای سیاستی جایگزین شود. خوشایند نیست، اما شدت دشواری‌ها به اندازه‌ای است که نخبگان از مساعدت «همگرایی تاریخی وضعیت‌های بحرانی» برخوردارند، سرجامه به سنگ واقعیت خورده است و فضای شبکه‌های اجتماعی و آگاهی فزاینده ناشی از آنها بستر مساعدی برای مطالبه نوع دیگری از مجلس فراهم کرده است.

مجلس دهم اگرچه بیشتر محتمل است که همان سناریوی اول یعنی تداوم گذشته را به پیش براند، می‌تواند نسبت به مجلس‌های پیشین، سیاستی‌تر و واقع‌بین‌تر باشد؛ کمتر بر زمین شعار و منطقه‌گرایی و بیشتر بر زمین چالش‌های واقعیت امروز ایران حرکت کند. این مسیری نامحتمل است، اما امید برای تحقق آن را نباید از دست داد. نخبگان وظیفه‌ای سنگین برای بر ساختن چنین مجلسی دارند.

اگر مجلسی با این ویژگی شکل بگیرد، ائتلاف اجتماعی فراگیر برای مطالبه و حل وضعیت‌های بحرانی امکان‌پذیر می‌شود. این مجلس می‌تواند مظهر

«ائتلاف اجتماعی - سیاستی» و «گفت‌وگوی فراگیر اجتماعی» باشد. دستور کارها باید به صراحت بیان شوند، مطالبات روی میز گفت‌وگو قرار گیرند و جامعه پیش از آنکه اراده خود را پای صندوق نشان دهد، اراده‌اش را پیش از رفتن به سوی صندوق صراحت بخشد و شکل دهد. چنین اراده‌ای باید معطوف به اخذ تصمیم‌های سخت و دشوار باشد. ما قادر نیستیم به راحتی از شر چندین دهه ناکارآمدی خلاص شویم و برای رهاشدن از شر تاریخ ناکارآمدی باید تن به تصمیم‌های سخت بدهیم. تصمیم برای وضعیت بحرانی آب، کاهش بودجه جاری فزاینده، رکود عمیق، ساماندهی هدفمندی یارانه‌ها، فرسایش سرمایه اجتماعی، حاشیه‌نشینی گسترده و فزاینده، آسیب‌های اجتماعی رو به افزایش و ده‌ها مسئله دیگر آن قدر دشوار است که برخی سیستم‌های اجتماعی را به انفعال محض کشانده است و ما زمان زیادی برای مواجهه مؤثر با آنها نداریم.

جامعه ایران پیش از انتخابات مجلس سال ۱۳۹۴ باید بر وضعیتی که در آن قرار گرفته آگاه شود و از طریق گفت‌وگوی اجتماعی فراگیر، به عزم و دستور کاری برای تغییر مؤثر سیاستی در چارچوب‌های قانونی موجود برسد. گزینه‌های درست، مرحله دوم حرکت به سمت دستور کار سیاستی مناسب است. جامعه باید در حالی به سمت صندوق رأی برود که می‌داند هیچ گزینه ساده‌ای برای معجزه یا گذار بدون دشواری از وضع فعلی وجود ندارد. شجاعت ما برای مواجه شدن با این وضعیت، بزنگاهی را که در اسفند ۱۳۹۴ پیش روی مردم ایران قرار دارد، ارزش‌گذاری خواهد کرد.

گفت‌وگوی اجتماعی فراگیر و ائتلاف اجتماعی برای اصلاح، دو سازوکاری هستند که باید به ارتقای سطح انسجام اجتماعی کارکردی و خلق سرمایه اجتماعی برای ساماندهی نیروهای اجتماعی به سمت بهبود متغیرهای سیستمی کمک کنند. تضادها نیز باید به سوی بررسی همه‌جانبه‌تر مسائل و خلق دانش و ظرفیت سیستمی بیشتر برای تغییر هدایت شوند. این فرایند بیش از هر چیز مستلزم فعالیت سیاسی در چارچوب قانون است. نخبگان در این فرایند باید به همه ظرفیت‌های شکل‌گیری ائتلاف اجتماعی (و نه لزوماً سیاسی) و همچنین سویه‌های آن‌تروپیک سیستم که می‌توانند تنش‌زا باشند توجه داشته باشند. قطعاً بخشی از مسئولیت شکل‌دادن به زمینه‌های بروز

چنین گفت‌وگو و ائتلافی و مهیا کردن شرایط برای تشکیل چنین مجلسی متوجه حاکمیت سیاسی و همه نیروهای عرصه سیاست رسمی است. اگر همه چیز خوب پیش برود، مجلسی شکل خواهد گرفت که به درجاتی همان پیشران‌های چند دهه قبل را تحریک می‌کند و به درجاتی نیز دستور کار جدیدی خواهد داشت. شاید آرزو داشته باشیم دستور کار دوم وزن بیشتری یابد، اما «سیاست امید» حکم می‌کند همگان واقع‌بین و متوجه وزن تاریخ باشند.

پی‌نوشت

۱. بیلی این مدل را به سطح فرد نیز بسط می‌دهد. به عبارتی، شغل (O)، تحصیلات (A)، درآمد (L)، مهارت‌های تکنولوژیک (T) و محل اقامت (S) نیز ویژگی‌های فرد را می‌سازند.

منابع

Bailey, Kenneth D. (1997). "System and Conflict: Toward a Symbiotic Reconciliation", *Quality and Quantity*, 31: 425-442.